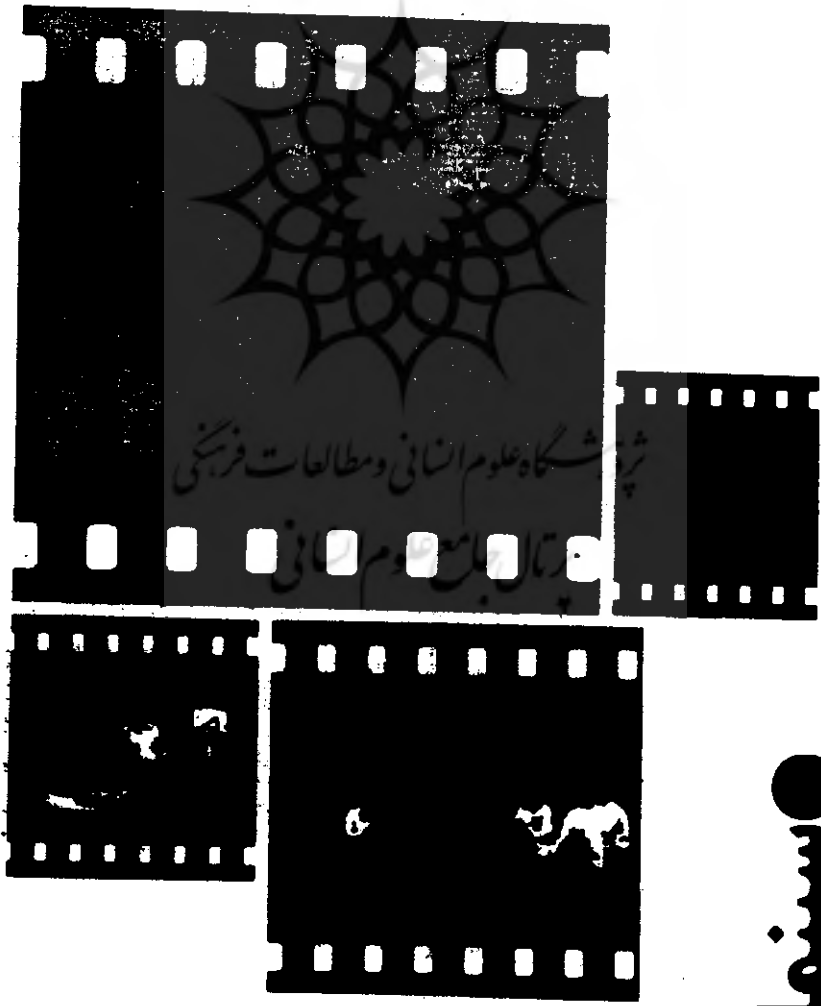
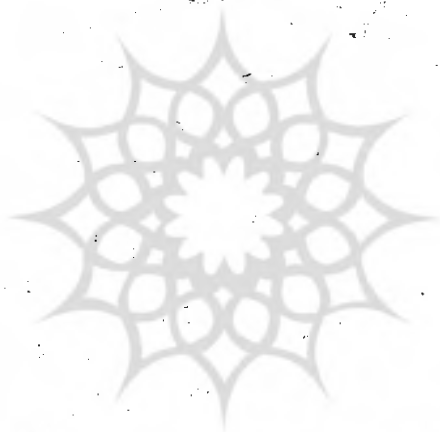


تاریخ



سینما



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

□ سینمای سیاهان

اکنون ۵۰ سال است که سیاهپوستان در اتحادیه‌های فیلم و سینمای آمریکا از فعالیت بازمانده‌اند و صرفاً رله‌های کلیشه‌ای و تعیین شده و ناچیز به عهده آنها محول می‌گردد.

آنها به این ترتیب از جنبه‌های کارگردانی و فنی این صنعت مطلقاً دور مانده‌اند. سابقاً در نتیجه تعصب بسیاری از مسائل مربوط به سیاهان در دهه هفتم نادیده انگاشته می‌شد.

تنها بازیگران آن سالها که منظمآ روی پرده دیده می‌شد سیدنی پواتیه بود که دوام بازار فروش را در ایالات جنوبی آمریکا سبب می‌شد. استثنائی هم بر این قاعده وجود داشت، از آن جمله فیلم Porgy and Bess بود که از نظر طرفداران تبعیض نژادی فیلم جدال برانگیزی تلقی شد. وعده زیادی از سیاهان آن را توطئه نابکارانه‌ای برای رسوا کردن بیشتر سیاهان تلقی کردند.

صحنه عظیم و پرخرج آن هنگام فیلمبرداری در آتش سوخت و این را هیچ یک از بازیگران سیاه حادثه و اتفاق نپنداشتند. اکنون همه چیز ناگهان تغییر نموده است. دوران تجرید سیاهان در سینما پایان یافته است و این به خاطر دلایل اقتصادی نیز هست.

فیلم‌هایی که برای تماشاگران سیاهپوست تهیه میشوند با موفقیت تجاری روبرو هستند. یکی از راه‌هایی که برای رهائی از این بست اقتصادی فیلم به نظر تهیه کنندگان رسیده است ساختن فیلم برای سیاهان است. زیرا سیاهان که بالاترین آمار را از نظر افراد تحصیل کرده و بیکار دارند با جنبشی ناگهانی و سریع به سینما روی می‌آورند. در میان این فیلمها جاسوسان سیاه، گانگسترهای سیاه، دزدان دریائی سیاه انقلابیون سیاه و حتی عیسی سیاهپوست نیز دیده می‌شوند.

در حقیقت سیاهپوستان محتاطانه به صنعت سینما می‌نگرند. آنها می‌خواهند بدانند حال که همه چیز در حال دگرگون شدن است چه کسی می‌خواهد قهرمان آنها شود. آیا این

هم از شگردهای هالیوود است با یک جوش و خروش فرهنگی سیاه به معنی واقعی که ناسی از جنبش و مخالفت با هرج و مرج است. هر چند بیشتر فیلمهای جدید سیاهان از نظر کیفیت در سطح بالائی هستند. یکی از بهترین کارگردانها، گوردون پارکز است که موفقیت فیلم پلیسی او بنام «شفت» این فیلم را به مراکز تفریحی سیاهان نیز کشاند. بعضی از منتقدان سینما این فیلم را نمونه نفرت آوری مانند Sweetback برای جوانان پنداشته اند اما پارکز عقیده دارد که این کار آگاه متهور نمی تواند برای هر شخصی نمونه باشد. او یک نمونه معمولی انسان سیاه پوست است. به نظر او شهر از کسانی چون شفت پر است.

پارکز میگوید ما با هر چه که در گذشته این فیلمها اشتباه کاری نداریم. اکنون صنعت سینما تشخیص داده است که از این فیلمها از هر جنبه ای باید مواظبت و حمایت شود خصوصاً تشویق سیاهان لازم است. من برای فروش و بخش شفت از یک شرکت تجارتی سیاه پوستان یاری گرفتم و اینکار با موفقیت انجام شد. بیشتر کارگردانهای سفیدپوست فیلمنامه های سیاهان را بد تعبیر می کنند. چون سفیدپوست می خواهد همیشه در رأس باشد و به سیاهان توهین کند در حالیکه واقعاً نمیداند چه توهینی به خودش می شود.

مشکل بزرگی که در اینجا پیش می آید اینست که سیاهان اغلب فاقد مهارتهای فنی هستند و مدت مدیدی است که از صنعت سینما به دور هستند. وان پیل عقیده دارد که عده زیادی از کارگردانهای سیاه هستند که در سازمانهای آموزشی سفیدپوستان وارد شده اند و سعی کرده اند با فتنی که فرا میگیرند، از استعداد خلاقه خود مسائلی را که سفیدها در مورد آنها کوتاهی کرده اند دوباره به کار گیرند. از این نظر صحبت از تجدید حیات فرهنگ سیاهان کاری بیهوده است. اگر اتهام مخالفین را از نقطه نظر، تراژدی و خشونت درست بدانیم این گونه فیلمها و کسانی که به دیدن آنها علاقه دارند. سبب ایجاد جنبش تازه ای در زندگی سیاهان است— چرا که باید گفت— سیاهان یک نقش کلیشه ای را که برایشان رنج آور بوده از دست داده اند و فقدان آن تأسفی ندارد.

سیاهان بدون در نظر گرفتن درک انتقادی سفیدها میخواستند بدانند کدامیک از فیلمهای جدید از مسائل آنان سخن میگویند و تهیه کنندگان چه نوع فیلمی را به بازار عرضه می کنند؟ مهمترین مسئله اینست که در این فیلمها سیاه پوست بر سفیدپوست برتری دارد. او را مسخره می کند. باو حقه میزند، روی دست او بلند میشود. البته تمام اینها در لفاظیه ای از سمبل و نشانه. در فیلم «شفت» با یک سیاه برتر و برومی شویم. این البته صرفاً برای تفریح بود و بهر حال سبب ایجاد حس انتقامجویی می شد. این فیلم را «ملوین وان پیل» نوشته و کارگردانی کرده. موزیک و بازی هم از خود اوست. او تا کنون دورمان نوشته و اولین— سیاه پوستی است که فیلم ساخته است.

او بعدها به فرانسه رفت و در آنجا فیلم Storg of 3 day pass را ساخت که در سال ۱۹۶۷ به جشنواره سانسفرانسسکوراها یافت و به عنوان فیلم انتخابی جشنواره مورد توجه منتقدین قرار گرفت.